

سخنان مارشال افغانستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بنیاد مارشال فہیم
کمیٹہ فرهنگی
واحد نشراتی
شماره: نخست
سال ۱۳۹۶ خورشیدی

پیش گفتار

تفکر و اندیشهٔ مارشال افغانستان در گفته‌هایش بازتاب یافته است. او از جوانی تا آخرین دقایق زنده‌گی‌اش، در یک استمرار فکری من‌حیث یک انسان هدف‌مند زیست و مبارزاتش را بر مبنای همان تفکر بلند انسانی اساس گذاشته بود. تولستوی یکی از دانشمندان بزرگ جهان جملهٔ زیبایی دارد، او می‌گوید: «وقتی وارد می‌شوی، لباسات معرّف توست، وقتی می‌روی حرف‌هایت». فکر و اندیشهٔ انسان‌ها در آنچه می‌گویند و می‌نویسند بازتاب می‌یابد. یکی از باارزش‌ترین معنویات انسان‌ها، فکر آن‌هاست که در جامعهٔ بشری به یادگار می‌ماند. مارشال افغانستان مخصوصاً در نظام‌سازی بعد از طالبان، در گسترش مفکورهٔ هم‌دگرپذیری تلاش کرد. هر جا که زمینه برای ابراز نظر پیدا کرد، همه را به یک‌دیگرپذیری و فراموش کردن گذشته فراخواند. در این زمینه تا آن‌جا صداقت در حرف‌هایش موج می‌زد هنگامی که از داشتن وطن و آبادی آن حرفی به‌میان می‌آورد، گلوش را بغض می‌فشرد و هم‌دگرپذیری را با چشمان اشک‌آلود ابراز می‌کرد. مارشال افغانستان به مشارکت سیاسی به عنوان یک اصل انکارناپذیر نگاه می‌کرد، او با صراحت می‌گفت: اگر قدرت زنده‌گی ماست، باید مخالفین خود را به‌خاطر برآوردن صلح، در این زنده‌گی شریک کنیم. مارشال افغانستان نظر به تجربه‌های تلخ گذشته، سیاسیون کشور را به مشارکت در امر سیاسی و اجتماعی دعوت می‌کرد و هشدار می‌داد که یک‌جانبه‌گرایی در سیاست، ما

را به نتیجه نمی‌رساند. از این رو بود که گفت: «تجربه‌های گذشته نشان داده است که حکومت‌های یک‌جانبه و یک‌طرفه در افغانستان نتیجه مثبت ندارند». به همین منوال، دیدگاه‌های صاف و صادقانه خود را بدون هیچ نوع محافظه‌کاری و پنهان‌کاری ابراز کرده است که خوش‌بختانه امروز در دست‌رس ما و تمام هم‌وطنان ما قرار دارد. به‌خاطر آن‌که تفکر ملی و اندیشه سیاسی بزرگان ما را از یاد نبریم و در زنده‌گی سیاسی-اجتماعی خود در نظر داشته باشیم، بر آن شدیم تا دیدگاه‌های مارشال افغانستان را به‌صورت خلاصه برای شما پیش‌کش کنیم. این دیدگاه‌ها برای جامعه سیاسی، مجاهدین، نسل امروز و پژوهشگران کمک خواهد کرد تا رگه‌های تفکر و اندیشه مارشال افغانستان را در حوزه‌های گوناگون پیدا کنند. تلاش خواهیم کرد تا این روند ادامه پیدا کند و ما بتوانیم در حوزه‌های مشخص دیدگاه‌های مارشال افغانستان را به شما پیش‌کش کنیم.

تا درخت دوستی کی بر دهد
حالیا رفتیم و تخمی کاشتیم



صلح هدفی است که در برابرش باید چیزی بدهیم تا چیزی به دست آوریم.



باور کامل دارم که اگر مجاهدین واقعاً در افغانستان نقش اساسی خود را داشته باشند وطن خود را می‌توانند آزاد کنند، کسی به این کشور تجاوز کرده نمی‌تواند و مردم ما در صلح و آرامش زنده گی می‌کنند.



افغانستان وقتی از مشکلات نجات پیدا می کند که واقعاً به طور مخلصانه دست به دست هم بدهیم، اعتماد ملی در کشور به وجود آید، نسبت به یکدیگر باورمند باشیم، حرکت های یک جانبه از بین برود و با یک باور ملی و اعتماد کلی از این وضعیت نجات پیدا کنیم.



جهاد مردم افغانستان یکی از درخشانترین صفحات تاریخ معاصر بشریت است که در نتیجه آن کشورهای بسیاری به آزادی رسیدند و هیولای کمونیسم در سراسر جهان نابود شد.



جهد افغانستان جغرافیای کشورهای جهان را دگرگون ساخت و ثابت کرد که ملت پابرهنه و مسلمان افغانستان وقتی اراده کند در برابر هر ابرقدرتی خواهند ایستاد و آنرا از پا درخواهند آورد.



نظام‌ها و حکومت‌هایی که فردی هستند، خواسته‌های افراد در جامعه حاکم است و یا نظام‌هایی که گروهی و گروهی هستند حتی خواسته‌های یک گروه سیاسی که تطبیقش بالای جامعه بسیار دشوار و سخت است عملی می‌گردد.



انسان به خاطر این خلق شده که در جامعه مصدر خدمت گردیده و اخلاقیات اجتماعی آن کنترل شود.



در جامعه‌یی که مصئونیت و امنیت به وجود آید، مفسد اخلاقی از میان برداشته می شود.



آزمایش‌ها و امتحان‌هایی که طی سی سال در کشور ما پیش آمد، مرد و نامرد را مشخص ساخت.



ما زنده گی انسانی را یک کاروان در حال حرکت می دانیم و این کاروان همیشه در جریان و حرکت قرار دارد. به ویژه جریان جهاد، اسلام خواهی، مبارزه، آزادی خواهی، نجات یک کشور و هم نوعان می باشد.



کسانی که می خواهند شخصیت های ما را ترور کنند، آنان را به شهادت برسانند و این طور فکر کنند که یک جریان ملی، اسلامی، جهادی و برحق از بین می رود، اشتباه فکر کرده و کور خوانده اند. راه خدا، راهی است که الله متعال آن را روشن نگه می دارد.



تجربه‌های گذشته نشان داده است که حکومت‌های یک‌جانبه و یک‌طرفه در افغانستان نتیجه مثبت ندارند.



مجاهدین افغانستان برای ساختن یک نظام ملی، حرکت ملی و آوردن وحدت ملی در افغانستان مبارزه کردند و به خاطر این که مردم افغانستان همه یک پارچه و یک دست حرکت کنند، مسائل قومی مانند: تاجیک، پشتون، ازبیک و هزاره ...، از بین برداشته شود و همه به حیث یک ملت واحد در زیر چتر یک نظام ملی حرکت کنند، آخرین فداکاری‌ها را انجام دادند.



نظام و حکومت با بردباری و هم‌دگرپذیری به‌وجود می‌آید و تشکیل می‌شود.



خواست و آرزو در شرایط امروز با احساسات برآورده نمی شود.



با سقوط تروریسم و طالبان در افغانستان یک بار دیگر این کشور اعادهٔ حیثیت کرد و لازم شد که در بخش‌های گوناگون و همه‌شئون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی کشور اقداماتی در جهت بازسازی صورت گیرد.



یک کشور زمانی تثبیت هویت می کند و زمانی تثبیت حاکمیت در آن صورت می گیرد که سرحدات آن کشور و حدود آن محفوظ باشد. کشوری که سرحداتش مشخص نباشد؛ حدودش معلوم نباشد، سرباز و محافظش در آن جا آماده نباشند، آن را کشور گفته نمی توانیم و هر بار دست خوش حوادث می شود.



اشخاصی استند که مسئولانه و غیرمسئولانه می گویند که مجاهدین مسلکی نیستند، چون اعتراض کننده گان شرایط سخت وطن را ندیده اند و می گویند مسلکی نیستید...، اما من می گویم مجاهدین که استعداد تحمل سختی ها را داشتند، استعداد هر کار دیگری را نیز دارند.



به چیزی که ایمان آوردی عشق بورز، زیرا عشق فداکاری است.



ما و شما عضو جامعه بشری استیم، در خانواده‌یی که زنده گی می‌کنیم، خانواده انسانی است.



با سختی‌ها و عدم امکانات باید بسازیم؛ خودما باید کار کنیم، ما پرورده روزگار استیم، مصائب و روزهای سخت را دیده‌ایم، روزهای خوش و پیروزی را هم دیدیم و برای کار آینده هم باید آماده باشیم. هر زمانی که ما راحت طلب شدیم، باز به حادثه دیگر مواجه شده و سرکوب خواهیم شد.



اگر ثبات کشور و حدود اربعه آن را حفظ نکنیم و خود را از این بدبختی‌ها خلاص نسازیم، دست‌خوش حوادث می‌شویم، پس لازم است آماده‌گی داشته باشیم.



از سلاح و صلاحیت خود باید استفاده مغرورانه و شخصی نکنیم. یکبار اخلاق حمیده و اخلاق اجتماعی را در وجود خود تطبیق کنیم، باز ببینیم که نتیجه‌اش چه می‌شود.



نفس جنگ بسیار سخت است، زیرا در کارهای دیگر با مال بازی می‌شود، اما در جنگ با سر بازی صورت می‌گیرد.



جهاد بود که برای مردم افغانستان شهامت، دلیری، مبارزه در برابر کفر، ظلم و استبداد را به وجود آورد.



باید قانون برای انسان‌ها ساخته شود، قانون است که نظام را در زنده‌گی انسان به وجود می‌آورد، ظالم و مظلوم فرق می‌شود، پیشرفت و ترقی به وجود می‌آید و عدالت در جامعهٔ انسانی توسط آن تأمین می‌گردد.



کسانی که در برابر طغیان و تجاوز شوروی سابق ایستاده گی و جهاد کرده و از این کشور دفاع کرده است، مردمان قابل قدر این کشور استند و در تاریخ این مملکت نقش اساسی داشته و ماندگار شده اند.



با دل باز و دید وسیعی که مجاهدین برای افغانستان داشتند همه امکانات نظامی، سیاسی، مادی و معنوی را در خدمت نظام گذاشتند. همه مجاهدان تلاش کردند تا یک نظام سراسری در کشور به وجود آمد.



همه یک جا شویم هم دیگر را بپذیریم. اگر تاجیک، پشتون، ازبیک یا هزاره استیم، همه گل های یک باغ استیم؛ همه گل های افغانستان استیم. می توانیم برای خود نظام بسازیم. تا خرد و بزرگ، خود را در آن ببیند و به طرف سعادت، عزت و وطن سازی برویم. ما مانند دیگران حق داریم که زنده گی کنیم.



ضرورت است تا یک اجماع ملی با یک برنامه روشن برای افغانستان به وجود آید و مورد اعتماد مردم افغانستان باشد تا در روشنی آن پیش برویم، تیم داشته باشیم و کار کنیم، عقده گشایی نکنیم.



خواهش من این است که دوران‌دیشی داشته باشیم و روی میز مذاکره مشکلات خود را با پاکستان حل کنیم.



دستاوردهای نظام جدید محصول فکر سیاسی، نبوغ سیاسی مردم افغانستان، وحدت ملی مردم کشور و محصول اندیشه‌هایی که دیگر در این کشور جنگ صورت نگیرد می‌باشد و تلاش همهٔ مردم افغانستان است که در این مدت هرچه را تحمل کردند و قدم‌هایی در زنده‌گی خود برداشتند. یقیناً که ما در آینده‌ها آرزوهای زیادی داریم و چیزهای زیادی ضرورت است که در کشور ما انجام شود.



ضرورت است که نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان تقویه و حمایت شوند، طوری که از آموزش های لازم برخوردار استند، از تجهیزات لازم برخوردار شده و پشتیبانی نهادهای سیاسی حکومتی، غیرحکومتی و ملی را داشته باشند تا اینها بتوانند به هیچ دشمن اجازه ندهند که در افغانستان رخنه کند.



تا زمانی که صلح در افغانستان به وجود نیاید، مردم در فضای صلح و آرامش زنده گی نکنند، هیچ وقت پیشرفت و ترقی در عرصه اقتصادی و اجتماعی نخواهیم داشت، چرا که صلح ضرورت است.



صلح یک داعیه است، ولی صلح در کدام حالت؟ صلح می‌خواهیم، اما وقتی امیدوار به نتیجه آن هستیم که دولت افغانستان در عرصه نظامی و میدان جنگ دست‌آورد بالا داشته باشد. زمانی که ما دست‌آورد بالا داشتیم و با همین دست، صلح را بخواهیم، در آن صورت صلح نتیجه می‌دهد. در غیر آن، اگر هر روز صلح بخواهیم و تروریستان شخصیت‌های افغانستان را ترور کنند و مردم را بکشند، دست‌آوردی نخواهیم داشت.



از نیروهای امنیتی و ملی افغانستان حمایت و پشتیبانی کنیم. تا این نیروها با همان روحیه‌یی که جهادگران افغانستان مبارزه کرده و در مقاومت ملی مردم ایستاده‌گی کردند، نیروهای امنیتی افغانستان نیز ایستاده‌گی کنند.



مجاهدين بايد يك بار ديگر بسيج شوند، ايستاده گي کرده و از اين وطن دفاع کنند.



منافع ملی و مصالح افغانستان برای هر فرد این کشور خاصاً به دولت مردان افغانستان یک وجیهه است که باید آن را حفظ کنند.



راهی که ما انتخاب کردیم و راهی که احمدشاه مسعود شهید انتخاب کرده بود، زحمت کشی، سرسپردگی و فداکاری بود. ما هنوز هم متعهد استیم و تمام مجاهدین در هر جای افغانستان متعهد و آماده استند تا از وطن خود دفاع کنند.



یک کشور وقتی آبرومند است و عزت دارد که در آنجا نظام اجتماعی باشد.



ما می‌توانیم از راه مذاکره، مفاهمه، دید و وادید، تحمل، گذشت و یکدیگرپذیری، خود را بسازیم و از این وضعیت و حالت فعلی کشور خود را نجات دهیم و به‌طرف سعادت، خدمت‌گزاری و به‌طرف مردم‌داری برویم.



وضعیت امروز در کشور، به افغانستان موهبت، هدیه و بخشش پروردگار می باشد که بر اثر مجاهدت، رشادت، مقاومت و زحمت کشی مجاهدین و نیروهایی که مقاومت کردند به دست آمده و این محصول جان بازی میلیون ها شهید و صدها هزار انسان معلول و معیوب است. شرایط امروز شالوده و فشرده آن زحمات و تلاش هایی است که در افغانستان جریان داشت. ما باید حق این نعمت پروردگار را ادا کنیم.



در طول تاریخ کشور به خصوص در نیم قرن اخیر ما شاهد بودیم جامعه جهانی به افغانستان توجه نداشتند. اما توجه امروز همه کشورها به یک منظور است که دیگر در افغانستان تعرض بالایی کسی و در برابر کسی وجود نداشته باشد. احتمال تعرض یک گروه بالایی گروه دیگر از بین برود و همه این مردم برادرانه زنده گی کنند و پا به پای جامعه جهانی و مطابق منافع ملی عمل کنند.



مردم افغانستان دیگر این حوصله را ندارند که پارچه پارچه، قطعه قطعه، گروه گروه زنده گی کنند، دوباره هرج و مرج ایجاد شود و این امر برای مردم افغانستان قابل قبول نیست. همان طور که مردم قهرمان کشور در جهاد و مقاومت هم آهنگ بودند، اکنون نیز باید متحد شویم تا در ایجاد صلح، آرامش، خدمت به مردم افغانستان و تطبیق قوانین، پیش تاز و پیش قدم باشیم.



به اصل وحدت ملی و برادری معتقد استیم.



به حکومت یک جانبه، یک طرفه و حاکمیت های یک گروه و یک قوم و سمت خاتمه می دهیم و نظام ملی و حاکمیت ملی و وحدت ملی را در افغانستان به وجود می آوریم. پیمان و تعهدی که داشتیم و داریم این است که در افغانستان نباید با یک بال پرواز کرد؛ شهروندان کشور باید با دو بال به طرف صعود حرکت کنند، یعنی وحدت ملی در این کشور به وجود آید و همه اقوام و همه اقشار در تعیین زعامت سیاسی شان سهم مستقل و مساویانه داشته باشند.



افغانستان امروز پس از دو دهه جنگ مسلحانه به طرف مبارزات سیاسی می‌رود. به نظر من دیگر توسل به زورگویی و توسل به این که وضع امنیتی مردم و ملت را کسی نامردانه و ناجوان‌مردانه اخلاص کند و این کشور را بخواهد به طرف بدبختی ببرد، ناممکن است.



در زمان حیات آمرصاحب مسعود ما به این نتیجه رسیدیم که یک قوم، یک گروپ، یک گروه، یک سمت، یک مردم و یک قشر به تنهایی نمی تواند با ترکیبی که در کشور وجود دارد؛ حکومتی تشکیل بدهد.



سلاح ابزاری است که در راه خیر و آزادی به کار گرفته می شود، وقتی که آن را در جهاد استفاده کردیم بسیار خوب و مقدس بود و استفاده از آن ثواب داشت، ولی با این وسیله مقدس وقتی بالای همسایه ظلم گردد و بالای یک برادر ظلم صورت گیرد و زمین کسی را به زور گرفتن و سلام کسی را علیک نگرفتن، گناه است.



وحدت و برادری که در کشور به وجود آمده است باید حفظ شود، به بزرگسالان ما لازم است تا به جوانان توصیه به صبر، حوصله‌مندی، گذشت و عفو کنند؛ از انتقام چیزی به دست نمی‌آید.



از جوانان خواهشم این است تا هر کاری را که انجام می دهند و هر تصمیمی را که می گیرند، آن تصمیم و آن حرکت سنجیده شده باشد و تابع احساسات نباشد.



ما باید گذشت کنیم ما نباید عقده‌مندانه برخورد کنیم. عقده‌مندانه برخورد کردن چه فایده دارد؟ انتقام، انتقام بار می‌آورد. چه بدبختی‌های نبود که ملت ما و شما ندیدید؟ اگر ما و شما بازهم به آن فکرها باشیم که انتقام بگیریم، درست نیست.



به نظر من، راه حل تمام مشکلات افغانستان مذاکره، تفاهم و اتفاق کلان است. نظر من راجع به انتخابات هم همین است که سوال می شود، آیا به راه می افتد یا نه. پاسخ من این بود که برنده شدن در انتخابات مشکل کشور را حل نمی کند. یک تفاهم ملی، یک اتفاق همگانی می تواند این مشکل را حل کند. در این صورت شخص منتخب با یک اتفاق کلان می تواند کاری را به پیش برد. قضیه افغانستان به مذاکره ضرورت دارد و حتی اگر یک نفر هم از دایره آن بیرون بماند، جنجال در کشور باقی خواهد ماند.



در بارهٔ انتخابات، ما بدین باور هستیم که در افغانستان انتخابات یک دست آورد است. اگر این پروسه را حذف کنیم در حکم بازگشت به شش-هفت سال پیش است. زحماتی که ما و کشورهای کمک‌کننده کشیده‌ایم و استقبالی که از آن شده است، همه به هدر می‌روند.



باید در بین جامعه، اعتدال و عدالت به وجود بیاوریم و پیاده بسازیم، خصایل خوب و نیک داشته باشیم و همه ارشادات و ارکان اسلام را هم بالای خود و هم بالای جامعه خود تطبیق کنیم تا جامعه ما صالح و برای اتحاد نظام آماده شود. برای این که مردم ما از هرج و مرج، از گروه‌گرایی، از تنظیم‌جنگی و از حسادت و دشمنی سخت رنج دیده‌اند و شدیداً متنفر هستند، به طرف صلح و آرامش و پیاده کردن اتفاق انسانی، نظام اجتماعی و ایجاد اداری در زیر سایه اسلام همه آماده هستند، در صورتی که ما و شما آماده باشیم و تعهد بسپاریم که اصلاح‌گرا و اصلاح طلب هستیم.



تأکیدم این است که ما و شما برادر هستیم؛ همه ما و شما حقوق مساوی داریم، اهل این وطن هستیم. در روی کره زمینی به نام افغانستان که خداوند نصیب ما و شما کرده است زنده گی می کنیم.



هرنوع فکر و برداشت ديگر به جز انتخابات زهر است.



افغانستان به هیچ صورت دیگر به دوره ما قبل خود بر نمی گردد.



آخرین وصیت من و آخرین خواست و آرزوی من از مردم این است که منافع ملی و خواسته‌های بزرگ مردم افغانستان را نسبت به منافع شخصی خود ترجیح بدهند، و هویت ملی خود را حفظ بکنند.

د افغانستان مارشال ويناوی



سوله هغه موخه ده چې پر وړاندې يې بايد څه ورکړو څو څه لاسته راوړو.



بشپړ ډاډ لرم که واقعاً مجاهدين په افغانستان کې خپل اساسي رول ولري، کولی شي خپل هيواد آزاد کړي، خو که په دې هيواد تجاوز نشي کولی، او زمونږ خلک به په سوله او تیکاو کې ژوند کوي.



افغانستان هغه وخت له ستونزو ژغورل کيدای شي چې په رښتيني توگه يولاس شي، ملي اعتماد په هيواد کې رامنځ ته شي، په يو بل باور ولرو، يو اړخيز حرکتونه له منځه ولاړ شي، او په يوه ملي باور او ټولنيز اعتماد له دې وضعيته راوتی شو.



د افغانستان خلکو جهاد د بشریت معاصر تاریخ یو له زرينو پانو څخه دی چې په پایله کې ډیر هیوادونه خپلواکي ته ورسیدل، او د کمونیزم تگرې بې په ټوله نړې کې ټول کړ.



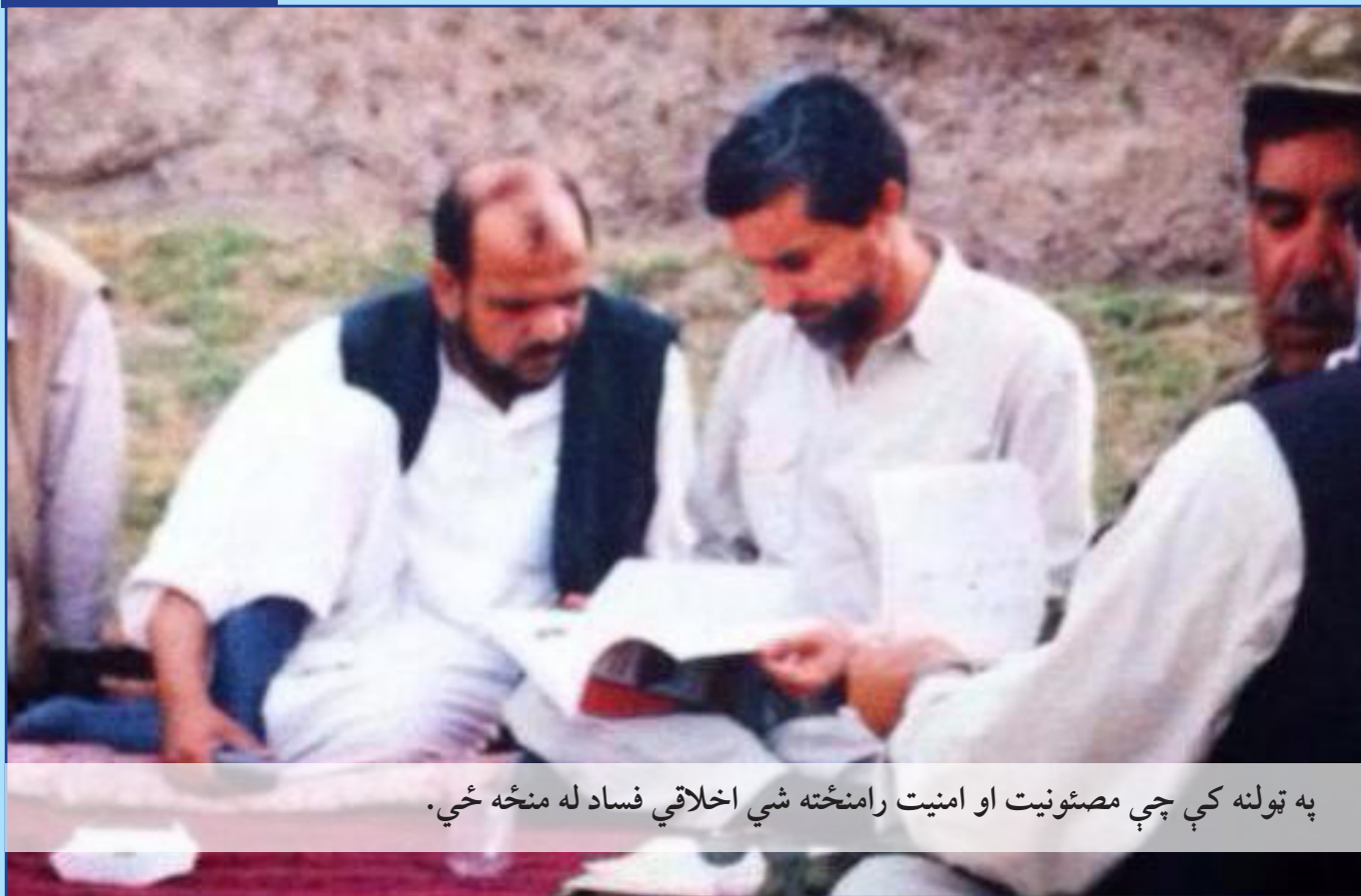
د افغانستان جهاد د نړې د هیوادونو په جغرافیا کې بدلون راوړ، او دا پې ثابته کړه کله چې د افغانستان پایلوڅه او مسلمان ملت اراده وکړي د هر زبرځواک پر وړاندې به دریدی شي او هغه به له پښو وغورځوي.



انسانان ددی. لپاره خلق شوي چې په ټولنه کې د خدمت جوگه شي او د انسان ټولنيز اخلاقيات کنترول شي.



که انسان د قانون تابع نه وي، او د قانون پر وړاندې ځان مطيع ونه بولي، په هيڅ ډول نشي کولی چې په يوه ټولنه کې عدالت پلي کړي.



په ټولنه کې چې مصئونیت او امنیت رامنځته شي اخلاقي فساد له منځه ځي .



هغه آزمايښتونه او امتحانونه چې د پير شو کلونو په ترڅ کې زمونږ په هيواد کې مخ ته راغلل، مرد او نامرد ېې په بشپړه توگه مشخص کړل.



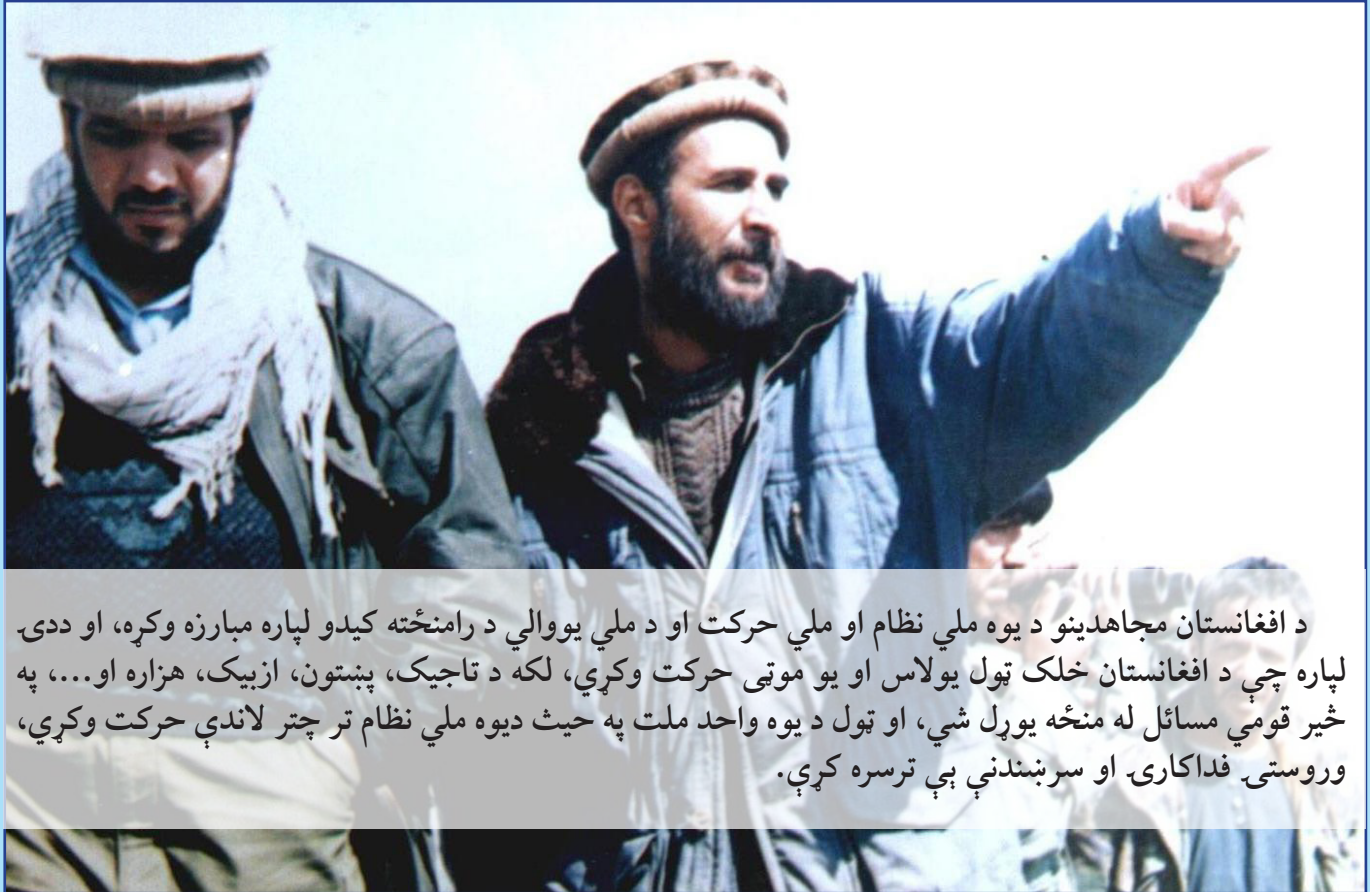
مونږ انساني ژوند د تگ په حال کې يو کاروان بولو، او دا کاروان تل د حرکت په حال کې وي. په ځانگړي توگه د جهاد، اسلام غوښتنې، مبارزې، آزادي غوښتنې، او د يوه هيواد او هموعانو د ژغورنې لپاره حرکتونه دي.



هغه کسان چې غواړي زموږ شخصیتونه ترور کړي، هغوی په شهادت ورسوي، او داسې فکر وکړي چې ملي، اسلامي، جهادي او برحقه خوځښت له منځه ځي، غلط بې فکر کړی، او ړانده بې بللي. د خدای څ لار هغه لار ده چې الله څ هغه روښانه ساتي.



تيرو تجربو روښانه كړې چې يو اړخيزو او يو طرفه حكومتونو په افغانستان كې پايله نه ده وركړې.



د افغانستان مجاهدينو د يوه ملي نظام او ملي حرکت او د ملي يووالي د رامنځته کيدو لپاره مبارزه وکړه، او ددی لپاره چې د افغانستان خلک ټول يولاس او يو موتی حرکت وکړي، لکه د تاجیک، پښتون، ازبیک، هزاره او... په خیر قومي مسائل له منځه یورل شي، او ټول د یوه واحد ملت په حیث دیوه ملي نظام تر چتر لاندې حرکت وکړي، وروستی فداکاری او سرښندنې بې ترسره کړې.



نظام او حکومت ولی په زغم او یوبل منلو سره رامنځته کيږي، او جوړيږي.



په نننيو شرايطو کې په احساساتو سره غوښتنې او هيلې لاسته نه رازي.



په افغانستان کې د ترهگرو او وسله والو مخالفينو په پرځيدو سره دی. هیواد یوځل د حیثیت اعاده وکړه، او اړینه شوه چې بیلابیلو برخو او د ټولو سیاسي، ټولنیزو، اقتصادي او نظامي بنسټونو د بيارغونې په برخه کې گامونه پورته شي.



يو هيواد هغه مهال خپل هويت تثبیتوي، او هغه مهال په کې حاکمیت تثبیتېږي چې سرحدات او حدود ېې محفوظ وي. هغه هيواد چې سرحدونه ېې مشخصه او حدود ېې روښانه نوي، سرتيري او ساتونکي ېې چمتو نوي، هغه ته هيواد نشو ویلی او هر ځل له پښو سره مخیږي.



زما وينا تاسو مجاهدينو ته همدا ده كله چې تاسو د هرې سختي زغم درلود، د نورو کارونو وړتيا هم لری، ولی په يوه فرق، که په هغه ځای کې -د جهاد او مقاومت دوره- آزادتره وی په دی ځای کې په يوه چوکاټ کې کار کوی.

02 11 18



خيني اشخاص شته چې مسئولانه او غيرمسئولانه وايي چې مجاهدين مسلکي نه دي، ځکه اعتراض کونکو د هيواد سخت شرايط نه دي ليدلي او وايي مسلکي نه دي... خو زه وایم تاسو مجاهدينو چې د سختیو د زغم استعداد درلود، د هرو نورو کارونو وړتیا هم لری.



په کوم شي چې مو ايمان راوړ مينه ورسره وکړه، ځکه مينه فداکاري ده.



مونډر او تاسو د بشري ټولني غړي يو، په يوه کورنې کې چې مونډر او تاسو ژوند کوو، هغه انساني کورنۍ ده.



له سختیو او د امکاناتو په نشتون سره باید ځان بلد کړو، خپله باید کار وکړو، مونږ بدې ورځې او مصیبتونه لیدلي، د خوشحالی او بریا ورځې مو هم لیدلي دي، او راتلونکو کارونو لپاره هم باید چمتو او سو. هر کله چې مونږ راحت غوښتونکي شوو، بیا به له نورو پینسو سره مخیږو او ماتیږو به.



که د هیواد ټیکاو او حدود ونه ساتو، او ځانونه له دې بدبختیو خلاص نکړو، له پینو سره مخیږو، نو اړینه ده چې چمتوالی ولرو.



له خپلو وسلو او واکونه باید مغرورانه او شخصي استفاده ونکړو. يوځل په خپل تن کې حميده او ټولنيز اخلاق پلي کړو بيا ووينو چې پایله بهې څه ده.



د جگړې نفس ډیر سخت دی، ځکه په نور شيانو کې له مال سره لوبې کېږي، خو په جگړه کې له سر سره.



جهد وو چې د افغانستان ولس ته ېې شهامت، زړورتيا، د كفر، ظلم او زياتي پر وړاندې مبارزه رامنځته كړه.



بايد قانون د انسانانو لپاره جوړ شي، قانون دى چې د انسان په ژوند کې نظم رامنځته کوي، ظالم او مظلوم سره بيلوي، او له امله بې په انساني ټولنه کې عدالت او پرمختيا پلي کېږي.



هرڅوک چې د شوروي د يرغل پر وړاندې ودرید او جهاد پې وکړ، او له دې هیواده پې دفاع کړې، هغوی ددی هیواد د قدر وړ خلک دي، او د هیواد په تاریخ کې اساسي رول لرلی او تل پاتي دي.



په خلاص زړه او پراخه ليد چې مونږ د افغانستان لپاره درلود، ټول نظامي، سياسي، مادي او معنوي امکانات مو د نظام په خدمت کې کيښودل. ټولو مجاهدينو هڅه وکړه خو يو سراسري نظام رامنځته شو.



ټول يوځای شو او يو بل ومنو. که تاجیک، پښتون، ازبیک یا هزاره يو ټول د يو بن او افغانستان گلان يو. کولی شو چې ځانته نظام جوړ، څو غټ او واړه روښانه شي، او د سعادت، عزت او د هيواد د پياوړتيا په لور لاړ شو. مونږ هم د نورو په شان د ژوند کولو حق لرو.



اړتيا ده چې د افغانستان لپاره د هيوادوالو په اعتماد د يوې روښانه برنامې په درلودو يوه ملي اجماع رامنځته شي، خو په رڼا کې ېې پر وړاندې ولاړ شو، کار وکړو، او عقده گشاېې ونکړو چې نن ته په واکې ېې سبا به بيا درسره کار لرم.



زما غوښتنه داده چې لږ ليد ولرو، او د مذاکرې په ميز خپلې ستونزې له پاکستان سره حل کړو.



د تیرو لسو کلونو لاسته راوړنې د افغانستان د خلکو د سیاسي فکر، سیاسي نبوغ، ملي یووالي، لاسته راوړنې دي، او د هغې فکر محصول دی چې نور په دی هیواد کې جگړه ونشي، او همداراز د افغانستان خلک د هڅو لاسته راوړنه ده چې په دی موده کې زغملې دي. یقیناً مونږ په راتلونکو کې ډیرې هیلې لرو، او ډیر څیزونو ته اړتیا ده خو زمونږ په هیواد کې ترسره شي.



اړتيا ده خو د افغانستان دفاعي او امنيتي ځواکونه پياوړي او د حکومتي او غيرې حکومتي سياسي بنسټونو له لوري ملاتړ شي، خو وکولی شي هيڅ دښمن په افغانستان کې رخنه ونکړي.



خو چې په افغانستان کې سوله رامنځته نشي، او خلک دسولې په فضا کې آرامه ژوند ونکړي، هېڅ وخت به په ټولنيز او اقتصادي برخه کې پرمختگ ونکړو، ځکه سوله يوه اړتيا ده.



سوله يوه داعيه ده خو سوله په کوم حالت کې؟ مونږه سوله غواړو خو هغه وخت چې په دې پوه شو چې د افغانستان دولت د جگړې په ډگر او پوځي برخه کې لوړ لاس لري.



کله چې مونږ لوړ لاس ولرو، او په همدې لاس سوله وغواړو په دې صورت کې به سوله پایله ورکړي، له دې پرته که مونږ هر کله سوله وغواړو او هغوی د افغانستان شخصیتونه ترور کړي، او خلک ووژني، لاسته راوړنې به ونلرو.



د افغانستان له ملي او امنيتي ځواکونو ملاتړ وکړو، یاد ځواکونه د هم هغه جهادي روحيې او د ملي مقاومت د مبارزې په څير بايد روحيه ولري.



مجاهدين يوځل بيا بايد سره يوځای شي، قيام وکړي او له خپل هیواده دفاع وکړي.



افغانستان شجاع او بهادر ملت لري، چې د تاريخ په وړدو کې يې له دې خاورې دفاع کړې.



د افغانستان ملي گټې او مصالح د هر فرد او په ځانگړي ډول د افغانستان د دولت مردانو لپاره يو وجيبه ده، چې بايد ورڅخه ساتنه وکړي.



هغه لار چې مونږ ټاکلې او هغه لار چې شهید احمدشاه مسعود ټاکلې وه، د سر بنندنې، زحمتکشی، او سرتیری لار وه. مونږ او په ټول افغانستان کې مجاهدین ژمن دي چې له خپل هیواده دفاع وکړي.



يو هيواد هغه وخت آبرومند دی او عزت لري، چي په کي ټولنيز نظام وي.



مونږ کولی شو، چې د خبرو، مذاکراتو او د دید وادید، د تحمل، زغم او د تیرو د عفوی له لارې خپل ځان ودان کړو، او له دې حالته خپل هیواد د سعادت په لور روان کړو.



دا وضعیت چې اوس په افغانستان کې رامنځته شوی، د الله څه بخشش او هدیه ده، چې د مجاهدت او مقاومت په اثر لاسته راغلی دی، او دا د میلیونونو شهیدانو، د لکونو معلولو او معیوبو انسانانو د سرښندنو محصول دی.



د افغانستان تاريخ په اوږدو کې خصوصاً د وروستې پيرې په نيمايي کې موږ شاهد وو چې نړيوالې ټولني افغانستان ته کومه پاملرنه نه ده کړې. مگر د نړۍ د ډيری هيوادونو پام افغانستان ته دي چې له دې وروسته په هيڅ څوک او نه هم د چا په وړاندې تجاوز ونشي. د يوې ډلې له لورې په بلې ډلې د تجاوز احتمال له منځه يوړل شي او ددې هيواد ولس د ورورولۍ ژوند ته دوام ورکړي او د نړيوالې ټولني سره پښه په پښه او د افغانستان د خلکو د غوښتنو عمل وشي.



د افغانستان خلکو ته صبر نه دې پاتې چې نور پارچه پارچه، ټوټه ټوټه، او ډلې ډلې ژوند وکړي، که هرج او مرج بیا ځل پیدا شي نو دا د افغانستان ولس ته د منلو وړ نه دي. څرنگه چې د افغانستان اتل ولس په جهاد او مقاومت هم غږي وو، اوس هم باید سره یو ځای شو ترڅو د سولې په راوستو، آرامتیا، خلکو ته خدمت او په افغانستان کې د قوانینو پلي کولو کې، بریالي او مخکښه اوسو.



مور د ملي يوالي او ورورولۍ په اصل باورمند يو.



مور يو اړخيز ، يو طرفه ، او د يوې ډلې حکومت ته خاتمه ورکولو او په افغانستان کې ملي نظام ، ملي حاکمیت ، او ملي وحدت راولو . وعده او ژمنه چې مو درلوده او لرو يې هغه دا ده چې په افغانستان کې بايد په يوه وزر والوزو . د افغانستان اوسيدونکی بايد د پرمختيا په لور والوزي ، يعنی ملي وحدت په دې هيواد کې راشي او ټول قومونه او قشرونه د هيواد په سياسي مشرۍ کې خپلواک او مساويانه ونډه واخلي .



د نن ورځې افغانستان د دوه لسيزو وسلوالو جگړو وروسته د سياسي مبارزو په لور گام ږدي. زما په اند په زور او جبر توصل، او دا چې ددی ملت امنيتي وضعيت به بيا په نامردانه ډول اخلال کړي، او دا هيواد بيا هم د بدبختيو پر لور بوځي ناشونې ده.



مونږ د آمرصاحب مسعود د ژوند په دوره کې دى پاييلې ته ورسيدو، چې يو قوم، يوه ډله، يو سمت، يو گروپ، په يواځېتوب نشي کولى يو ملي حکومت جوړ کړي.



وسله هغه ابزار ده چې د فلاح او خپلواکۍ په لار کې ورڅخه کار اخیستل کېږي، کله چې مو د جهاد په لار کې ورڅخه گټه پورته کړه، سپیڅلې وه، او استفادې ورڅخه ثواب او اجر درلود، خو که ددی سپیڅلې څیز څخه په استفادې په گاونډي او یو ورور ظلم وشي، او د خلکو ځمکه په زوره ونیول شي، او د چا سلام ته ځواب ورنکړل شي گناه ده.



يووالی او ورورولی چې رامنځته شوې بايد وساتل شي، زمونږ مشرانو ته اړتيا ده خو ځوانان صبر، حوصلې، گذشت او عفوي ته وهڅوي، له انتقامه څه نه ترلاسه کيږي.



له ځوانانو څخه مې غوښتنه داده خو هرکله چې کوم کار ترسره کوي، او هره هوډنيونه چې کوي، سالمه وي او د احساساتو تابع دې نه وي.



مونږ بايد گذشت وکړو، مونږ بايد عقده مندانه چلند وکړو، عقده مندانه چلند مو وکړ څه گټه ېې وکړه؟ غچ، غچ رامنځته کوي. کومې بدبختۍ نه وې چې زمونږ او ستاسو ملت ونه ليدې؟ که مونږ او تاسو بيا هم د غچ اخیستنې په فکر کې او سو داسمه نه ده.



زما په اند د افغانستان د ټولو ستونزو حل لار مذاکره او یو لوبې تفاهم دی. زما نظر د ټاکنو په اړه هم همدا دی چې پوښتنه کېږي، آیا ترسره کېږي کله؟ زما ځواب دا وو چې په ټاکنو کې بریا د هیواد ستونزه نشي حل کوی، یو ملي تفاهم او ټولنیز یووالی کولی شی دا ستونزې حل کړي. په دې صورت کې د یوه لوبې اتفاق لخوا ټاکل شوی مشر کولی شي هرکار پرمخ بوځي. د افغانستان قضیه خبرو ته اړتیا لري، او حتا که یو تن بې له دایرې بهر پاتې شي، په هیواد کې به ستونزې پاتې وي.



د ټاکنو په اړه مونږ په دې اند يو چې په افغانستان کې ټاکنې يو لاسته راوړنه ده. که دا پروسه حذف کړو تيرو شپږ - اووه کلونو ته د تگ، يعنې تقريباً د هيڅ په معنی ده. هغه زحمتونه چې مونږ او نړۍ ويستي، او ورڅخه هرکلی شوی، ټول هدر او بيخايه ځي.



بايد د ټولنې په منځ کې برابري او عدالت رامنځ ته او پلې بې کړو، ښه او نیک خصلتونه ولرو، او د اسلام ټول احکام او ارشادات بايد پر ځان او خپلې ټولنې تطبيق کړو، خو زمونږ ټولنه صالح او د نظام د يوالي لپاره چمتو شي.



ددۍ لپاره چې خلکو له بې نظميو، هرج او مرج، تنظيمي جگړې، ډل بازيو، حسادتونو او دښمنيو څخه ډير رنځ وړي، او ورڅخه ډير متنفره دي، دسولې، تيكاو، انساني اخلاقو، او د اسلام دسيوري لاند د ټولنيز نظام د رامنځته كولو لپاره ټول چمتو دي. په داسې حال كې چې مونږ او تاسو چمتو اوسو، او ژمنه وكړو چې اصلاح غوښتونكي او اصلاح كوونكي يو.



زما ټينگار پر دى دى چې مونږ او تاسو سره وروڼه يو، مونږ تاسو ټول يوشان حقونه لرو، ددى هيواد اوسيدونکي يو. د ځمکې پر مخ د افغانستان په نوم ټاټوبي کې چې خدای زموږ او تاسو په نصيب کړى ژوند کوو.



له ټاکنو پرته هر ډول فکر او برداشت زهر دی.



افغانستان په هيڅ ډول نور خپلو تيرو دورو ته نه گرځي.



له دې څلکو نه زما وروستی غوښتنه، هیله او وصیت دادی چې د خپلو شخصي په نسبت ملي گټو او د افغانستان د څلکو لوږو غوښتنو ته ارجحیت ورکړي، او خپل ملي هویت وساتي.